

Nomenclature Patterns and the Structure of the Titles in Mystical Texts

Mohammad Nabi Kheirabadi*

Abolghasem Rahimi**

Abbas Mohammadian***

Abstract

To understand the position of the text and the relationship with the world inside the work, the selected title is an important tool for the initial judgment for critique and analysis of the text. Thus, the implication of title to the text and the text to the title is a bilateral implication. However, sometimes due to the existence of meta-textual components in the titles, a bilateral implication is tarnished; therefore, identifying the dominant principles and patterns on the implications is one of the objectives of this research. This paper analyzed the semiotics and patterns in the nomenclature of mystical prose and verse books from various aspects, emphasizing the fact that selecting a title entails the involvement of components such as topic, temporal situation of text production, and the aesthetic aspects. In this paper, we investigated the dominant patterns in nomenclature of mystical works in terms of linguistic, rhetorical, and semantic aspects and the effective factors in this nomenclature by selecting 100 mystical prose and verse books. Based on the findings of this study, the dominant linguistic model is the additional combination appropriate for the metaphorical expression that is most used in these texts. Also, internal factors and content have the most effect on the choice of titles, and while using words with emotional and ideological load, the use of terms related to pre-Islamic culture and rituals has a special place in mystical texts. Finally, the title roles in the mystical texts and the pathology of the difficulties in selecting the titles are mentioned.

Keywords

Nomenclature Patterns, Nomenclature of Mystical Books, Intratextual Components, Intertextual Components, Title Roles, Pathology of titles

* Ph.D Candidate of Persian Language and Literature Persian, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

** Assistant Professor of Persian Language and Literature Persian, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

*** Associated Professor Persian Language and Literature Persian, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

نشریه علمی

پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)

سال سیزدهم، شماره دوم، پیاپی ۴۱، تابستان ۱۳۹۸ صص ۹۴-۶۵

Doi: 10.22108/jpll.2020.115467.1337

الگوهای نامگذاری و ساختار عنوان‌ها در متون عرفانی

محمدنبی خیرآبادی* - ابوالقاسم رحیمی** - عباس محمدیان***

چکیده

برای شناخت موقعیت و جایگاه متن و ارتباط با دنیای درون اثر، عنوان انتخاب‌شده، یکی از ابزارهای مهم برای ارزیابی اولیه و نقد و تحلیل متن است؛ از این رو دلالت «عنوان به متن» و «متن به عنوان» بیشتر یک دلالت دوسویه است؛ البته گاه این دلالت دوسویه به سبب وجود عوامل فرامتنی در عنوان‌ها خدشه‌دار می‌شود؛ از این رو شناخت اصول و الگوهای حاکم بر این دلالت‌ها یکی از اهداف این پژوهش است. این مقاله الگوهای به‌کاررفته در نامگذاری کتاب‌های نظم و نثر عرفانی را از جنبه‌های مختلف بررسی و تحلیل می‌کند؛ البته با تأکید بر این نکته که در انتخاب یک عنوان، عواملی از قبیل موضوع، شرایط زمانی تولید متن و جنبه‌های زیبایی‌شناسی دخیل است. در این مقاله با انتخاب حدود صد اثر نظم و نثر عرفانی به شناخت الگوهای حاکم بر نامگذاری آثار عرفانی از نظر زبانی، بلاغی و معنایی و عوامل مؤثر در این نامگذاری‌ها پرداخته شود. براساس یافته‌های این پژوهش، ترکیب‌های اضافی الگوی ساختار زبانی غالب است؛ زیرا برای بیان استعاره — که بیشترین کاربرد را در این متون دارد — مناسب است؛ همچنین عوامل درون‌متنی و محتوایی بیشترین تأثیر را در انتخاب عنوان داشته است. گفتنی است استفاده از واژگانی با بار عاطفی و ایدئولوژیک، استفاده از اصطلاحات مربوط به فرهنگ و آیین‌های پیش از اسلام نیز جایگاهی ویژه در متون عرفانی دارد. در پایان به نقش‌های عنوان در متون عرفانی و آسیب‌شناسی اشکالات موجود در انتخاب عنوان‌ها اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی

الگوهای نامگذاری؛ متون عرفانی؛ عوامل درون‌متنی؛ عوامل برون‌متنی؛ نقش‌های عنوان؛ آسیب‌شناسی عنوان‌ها

kheyradim@yahoo.com

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

mehrohagh@gmail.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)

mohammadian@hsu.ac.ir

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۱۱/۲

تاریخ وصول ۱۳۹۷/۱۱/۲۵

۱- مقدمه

از دیرباز، به نام اثر در جایگاه یکی از ارکان مهم در شکل‌گیری و پیدایش یک متن و بخشی از نظام متن توجه شده است؛ همان‌گونه که در هر پدیده‌ای نخستین قضاوت غالباً در برخورد اول براساس ظاهر آن پدیده رخ می‌دهد، نخستین برخورد و آشنایی با اثر هم با عنوان آن صورت می‌گیرد؛ زیرا عنوان به‌منزله ظاهر بیرونی یا شمایل و چهره اثر است و معمولاً باید اثری از معنی (متن) در صورت دیده شود. برخی از شاعران در اشعار خود به اهمیت و جایگاه عنوان در ارتباط با متن و تأثیر آن بر مخاطب اشاره کرده‌اند؛ ناصرخسرو در همین زمینه در چند بیت به ضرورت توجه به عنوان و اثرگذاری آن بر مخاطب اشاره کرده است:

نامه‌ای کرد خدا چون به خرد زی تو نامه را نیست مگر صورت تو عنوان
و در بیتی دیگر می‌گوید:

نیک زین «عنوان» بندیش و مراد او همه زین «عنوان» چون روز همی‌برخوان
(ناصرخسرو، ۱۳۶۵: ۴۱۱)

تأکید بر عنوان و جایگاه آن در شعر شاعران دیگر نیز بازتاب داشته است و همگی بر رابطه عنوان و متن و دریافت متن از طریق دقت در عنوان اشاره کرده‌اند. سعدی به‌زیبایی به رابطه عنوان نیک و متن اشاره می‌کند:

حسن عنوان چنانکه معلوم است خبر خوش بود به نامه درش
(سعدی، ۱۳۶۹: ۸۳۰)

برخی اساسی‌ترین رکن کتاب را عنوان آن می‌دانند؛ زیرا نویسنده در زیر عنوان به تألیف می‌پردازد. عنوان کتاب رکن بیرونی و ظاهری کتاب - در مقایسه با ارکان دیگر که درونی و نهان است - شمرده می‌شود (رک: اسفندیاری، ۱۳۶۹: ۱۱۳). همچنین شناخت عنوان در جایگاه یک خردمتن برای ورود به دنیای متن اصلی ضروری به نظر می‌رسد و شناخت آن گاهی به شناخت متن و درون‌مایه آن کمک می‌کند؛ زیرا همان‌گونه که یکی از ناقدان می‌گوید: «هر کتاب خوب یک جمله درخشان است که تا پایان گسترش می‌یابد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸ ب: سی و سه)، امبرتو اکو (Umberto Eco) نیز بر این باور است که «متن یک معنابن گسترش‌یافته به شمار می‌رود؛ از این رو هر معنابنی هم یک متن در شرف تکوین تلقی می‌شود» (آلگونه جونقانی، ۱۳۹۵: ۳۷).

براساس این دیدگاه‌ها، این جمله و عبارت درخشان و معنابن را گاه می‌توان درحقیقت همان عنوان اثر دانست؛ زیرا عنوان در بیشتر موارد فشرده و عصاره‌متن است و متن شکل گسترش‌یافته‌ی عنوان به شمار می‌آید؛ از این رو عنوان از دیرباز برای عمده‌ی پدیدآورندگان آثار جایگاه ویژه‌ای داشته است. همان‌گونه که در شروع قصیده‌ها به حسن مطلع و در داستان‌های منظوم به فضاسازی (براعت استهلال) تأکید داشتند، به عنوان آثار هم به منزله‌ی دروازه‌ی ورود به متن توجه و تأکید شده است. گفتمان و ساختار غالب عنوان‌ها در هر دوره‌ای تابعی از شرایط فرهنگی، سیاسی و ادبی همان دوره است؛ بنابراین می‌توان از شیوه‌ی نامگذاری کتاب‌های هر دوره تا حدی به ساختار فرهنگی و سیاسی آن دوره پی برد و فضای کلی ساختار و محتوای اثر را نیز تشخیص داد. با کمک نظریه‌ها و رویکردهای جدید در حوزه‌ی نقد ادبی «وقتی هزار یا بیشتر از هزار مجموعه‌ی شعر از دیدگاه عنوان، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل و این طبقات را بر ادوار تاریخی یک قرن توزیع کنیم، درخواهیم یافت که در مجموع در هر دوره‌ای چه حال و هوایی حاکم بوده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۲).

۱-۱ بیان مسئله

از نخستین نامگذاری آثار نظم و نثر فارسی بیش از هزار سال می‌گذرد و در گذر زمان، همانند تحولات شعر و نثر فارسی، عنوان‌ها نیز براساس تحولات فرهنگی و سیاسی تحول داشته و اهل کتاب نسبت به این دگرگونی‌ها آگاه بوده‌اند؛ البته تاکنون در جایگاه موضوع تحقیقی به آن توجه جدی نشده است.

گزینش نام مناسب، زیبا و اثرگذار برای آثار نظم و نثر فارسی در موضوعات مختلف، از گذشته تا امروز بخشی از فرایند تولید متن بوده است. طبیعی است که بعد از آفرینش هر اثر و یا تولید متن معمولاً شاعر یا نویسنده بر آن است تا عنوانی که برمی‌گزیند، در عین تناسب با محتوای اثر و برخوردار از زیبایی و رسایی در انتقال محتوای اثر به مخاطب موفق باشد. بی‌تردید همیشه انتخاب عنوان و نام برای یک اثر از یک الگو و شرایط واحد پیروی نمی‌کند؛ همان‌طور که عوامل و شرایط تولید آثار متفاوت است، عوامل و زمینه‌های نامگذاری آثار نیز یکسان نیست. به همین سبب در انتخاب عناوین آثار نظم و نثر فارسی تنوع و گستردگی بسیاری دیده می‌شود.

با بررسی گذرای عنوان‌های متون نظم و نثر فارسی در دوره‌های اول درمی‌یابیم که نوع انتخاب نام با سبک نگارش و جایگاه هنری آثار ارتباط مستقیم دارد؛ همان‌طور که از نخستین نثرها و

شعرها انتظار اثری متعالی نیست، در نامگذاری‌های دوره اول نیز با توجه به نبود سابقه قبلی و گسست‌های فرهنگی برخاسته از تغییر خط و زبان، نویسندگان و شاعران از عنوان‌های ساده فارسی و یا به دلایلی، که به آن اشاره خواهد شد، از عنوان‌های عربی استفاده می‌کردند. با تعالی و رشد شعر و نثر و یا سستی، ضعف و تقلید در آن، در نامگذاری‌ها نیز تعالی و گاهی ضعف و تکرار و تقلید دیده می‌شود. با تنوع و گستردگی متون، نامگذاری‌ها نیز ابعاد مختلفی می‌یابد که برای بررسی و شناخت دقیق آن باید آنها را در مجموعه‌ها و زیرمجموعه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد تا بتوان به شناختی دقیق و همه‌جانبه دست یافت. با بررسی الگوها و زمینه‌های شکل‌گیری آنها به عوامل مؤثر و الهام‌بخش شاعران و نویسندگان در نامگذاری آثارشان پی خواهیم برد و از خلال مطالعه در عنوان‌ها، زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، زیبایی‌شناسی را در نامگذاری آثار می‌شناسیم؛ همچنین به سبک‌شناسی خاص هر دوره و یا نوع ادبی در عنوان‌های آثار آن دوره دست می‌یابیم و انگیزه‌های پنهان و احتمالی موجود در عنوان‌ها را در حد توان، کشف و آسیب‌ها و اشکالات موجود و دلایل شکل‌گیری این آسیب‌ها را بررسی می‌کنیم.

۲-۱ ضرورت پژوهش

با در نظر گرفتن عنوان اثر به‌منزله کلید و رمز ورود به دنیای یک متن و رمزگشایی از درون آن، شناخت عنوان اثر و کشف رابطه آن با جریان شکل‌گیری متن ضرورت می‌یابد؛ زیرا عنوانی که درست انتخاب شده باشد، درحقیقت مرکز اندیشه شاعر و نویسنده است که در متن تکثیر می‌شود و گسترش می‌یابد و هویت اثر را به مخاطب می‌شناساند. همچنین برای آگاهی کامل و دقیق از میراث گذشته یک فرهنگ باید همه ابعاد آن موشکافانه بررسی شود تا بتواند در معرض قضاوت و نقد صحیح قرار گیرد. بر همین اساس پرداختن به موضوع عنوان‌های آثار در یک زبان و بررسی سیر تحولات شکل‌گرفته در آن و نشان‌دادن عوامل مؤثر در این تحولات می‌تواند راهگشای برخی پژوهش‌های اجتماعی، تاریخی، زبانشناسی و زیبایی‌شناسی قرار گیرد. با تحقیق در این موضوع می‌توان به برخی سؤالات مخاطبان آثار کهن درباره الگوها و قوانین حاکم بر نامگذاری، عوامل اثرگذار بر آن و دلایل تغییر و تحول الگوها تا حدی پاسخ داد؛ همچنین تأثیر متقابل ساختارها در یکدیگر و اثرگذاری ساختارهای کوچک در ساختارهای بزرگ و تأثیر ساختارهای کلان نظام سیاسی و مذهب و... را بر ساختارهای کوچک - که امری محسوس و بدیهی است - بررسی کرد

(رک: شفیع کدکنی، ۱۳۸۸ الف: ۹). این پژوهش در پی آن است که علاوه بر نشان‌دادن الگوها به آسیب‌شناسی نامگذاری متون گذشته از قبیل تکرار، تناسب نداشتن عنوان با موضوع، تفاوت زبانی متن با نام اثر و... بپردازد تا از این رهگذر آثار نظم و نثر، نقد و ارزیابی دقیق شود. بررسی الگوها و تحولات نامگذاری آثار از آن نظر مهم است که ما را با ذائقه و سلیقه نویسندگان و مخاطبان این آثار در هر دوره‌ای آشنا می‌کند. همچنین گاه با یافتن دلالت معنایی عنوان یک اثر و زمینه‌های نامگذاری آن، درک ژرفای معانی اثر آسان‌تر می‌شود.

در یک نگرش کلی در بررسی متون باید به عوامل و زمینه‌های تولید اثر از نظر شرایط تاریخی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی و حتی روانشناسی توجه کرد؛ این در حالی است که به عنوان‌های آثار که به‌نوعی خلاصه متن و در اغلب موارد بازتاب‌دهنده درون مایه اثر و عموماً معرف متن است و از دیدگاه نظریه‌های نقد امروزی خود یک متن هستند، توجه چندانی نمی‌شود و در برخورد با نام آثار بدون توجه به عوامل مؤثر و انگیزها و دلایل صاحب اثر در شکل‌گیری آن به راحتی از کنار آنها می‌گذریم. امروزه گاه در رویارویی با برخی از نام‌ها و عناوین انتخابی برای متون کهن، سؤالاتی در ذهن خوانندگان و مخاطبان اثر ایجاد می‌شود که پاسخ به این سؤالات در گرو شناخت عوامل درون‌متنی و فرامتنی مؤثر در نامگذاری خواهد بود. بر همین اساس در این پژوهش به لایه‌های مختلف عناوین به‌عنوان یک نشانه پرداخته می‌شود: (۱) لایه زبانی و نحوی؛ (۲) لایه بلاغی؛ (۳) لایه معنی و مفهوم.

۳-۱ فرضیه‌های پژوهش

- (۱) در کتاب‌های آموزشی و تعلیمی عرفانی، ساختار و بخش‌بندی کتاب در نامگذاری نقش اصلی دارد.
- (۲) موضوع و شرایط اجتماعی در انتخاب عنوان نقش مستقیم دارد.
- (۳) مخاطبان در تحول عنوان‌ها و کوتاه‌شدن عنوان‌های بلند و سنگین، نقش اصلی داشته است.
- (۴) عوامل برون‌متنی در انتخاب عناوین متون عرفانی نسبت به متون دیگر نقش کمتری داشته است.
- (۵) نویسنده برای جلب توجه مخاطبان، بر استفاد از عنوان‌های استعاری و هنری، با توجه به زبان متون عرفانی، تأکید داشته است.
- (۶) برخلاف آثار ضعیف و تقلیدی، نویسندگان آثار برجسته و برتر در حوزه عرفان در پی اسامی

خاص و ویژه نبوده‌اند.

۱-۴ پیشینه پژوهش

با بررسی‌های مقدماتی انجام‌شده بر روی موضوع، تاکنون کتاب و پایان‌نامه‌ای که به‌طور مستقیم به موضوع نامگذاری متون کهن پرداخته باشد، مشاهده نشد. اغلب پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های نوشته‌شده در این بخش به بررسی عنوان شعرها و رمان‌های معاصر پرداخته‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. با توجه به نبود پژوهش در حوزه متون کهن، ضرورت پژوهش جدید احساس می‌شود.

(۱) بررسی نشانه‌شناسی و بلاغی عناوین کتاب‌های شعر معاصر ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱؛ مرتضی داوری (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به تحلیل نشانه‌شناسانه از عنوان‌های شعر معاصر در یک دوره زمانی خاص پرداخته است.

(۲) نقش عوامل فرامتن در نامگذاری اشعار شفيعی کدکنی و آدونیس؛ صدیقه اکبری بیدگانی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به تأثیر عوامل فرامتنی مانند دین، عرفان، زمان، طبیعت، رویدادهای سیاسی و میراث ادبی پرداخته که در شکل‌گیری عنوان‌های اشعار این دو شاعر یاد شده است.

(۳) بررسی تطبیقی دلالت عنوان در شعر شش شاعر فارسی و عربی معاصر؛ فاطمه بخیت (۱۳۹۲) در رساله دکتری به روش مطالعه تطبیقی به نامگذاری اشعار فارسی و عربی در تعداد محدودی از شعر شاعران پرداخته است.

(۴) بررسی عنوان در شعر معاصر فارسی با تکیه بر جریان‌های شعری معاصر از سال ۱۹۴۱ تا ۲۰۰۶؛ عبدالله حکیم (۱۳۹۵) در رساله دکتری به رابطه دلالتی متن شعر و عنوان آن پرداخته و در پی اثبات این نظریه است که نوع جریان شعری معاصر در شکل‌گیری و انتخاب عنوان شعر تأثیر مستقیم دارد.

(۵) بررسی عناوین رمان‌های فارسی و چگونگی ارتباط آنها با متن اثر؛ مریم مهربان (۱۳۹۷) در رساله کارشناسی ارشد به تقسیم‌بندی عناوین رمان‌های معاصر فارسی از نظر شیوه ارتباط با متن و تقسیم عنوان‌ها به صریح و وهمی، با توجه به فضای رمان و یا عنوان به‌منزله دیدگاه نویسنده، پرداخته است.

(۶) نامگذاری داستان‌ها و شخصیت‌ها در آثار جمال‌زاده؛ مریم کلهری (۱۳۹۸)؛ رساله

کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان.

- ۷) «نامگذاری کتاب‌های فارسی شبه‌قاره هند»؛ نوشاهی، عارف (۱۳۶۹)؛ ترجمه جلال حسینی؛ تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، شماره ۱۶، صص ۹۳-۱۰۰. این پژوهش بسیار گذرا و در هفت صفحه به موضوع نامگذاری در مکان و زمان بسیار محدود می‌پردازد.
- ۸) «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن»؛ اسفندیاری، محمد (۱۳۶۹)؛ آیین پژوهش، شماره‌های ۳، ۴، ۵؛ این پژوهش به مباحث مربوط به نامگذاری آثار غالباً امروزی پرداخته است.
- ۹) «بررسی سبک‌شناسانه عنوان‌های شعر میمنت میرصادقی»؛ حسینی، مریم و عباسی، پریا (۱۳۹۴)؛ هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (مجموعه مقالات)، صص ۶۹۵-۶۸۱.

۲- الگوهای نامگذاری در متون نظم و نثر عرفانی

۲-۱ نگارش متن‌های عرفانی

قرن سوم و چهارم در تاریخ عرفان و تصوف از دوره‌های مهم و اثرگذار است. اهمیت این دوره به سبب وجود تعداد بسیار مشایخ و بزرگان تصوف و عرفان در حوزه‌های خراسان و خارج از آن است؛ اما به دلایلی از قرن سوم و اوایل قرن چهارم متن عرفانی به زبانی فارسی در دست نداریم. این امر شاید به سبب اعتقاد مشایخ تصوف بر آموزش تعلیم عرفانی براساس الگوهای عملی بوده است؛ از این رو آنان علاقه‌ای به مکتوب‌کردن مفاهیم و تعلیم عرفانی نداشتند. در دوره‌های بعد که انگیزه‌هایی در برخی مشایخ و مریدان برای نگارش تجربه‌ها و آموزش اصول عرفان شکل گرفت، به سبب شرایط فرهنگی حاکم بر آن دوره این آثار عموماً به زبان عربی به نگارش درآمد؛ مانند کتاب‌های *التعرف لمذهب التصوف* از ابوبکر بخاری کلابادی، *قوت القلوب* از ابوطالب مکی، *اللمع فی التصوف* از ابونصر سراج طوسی و *رساله قشیریّه* از ابوالقاسم قشیری. با گذشت زمان و در نسل بعدی مشایخ، نزدیکان و شاگردان و یا خود متصوفه و عارفان برای آموزش کتاب‌هایی به زبان فارسی نوشتند و جریان نثر عرفانی فارسی شکل گرفت. «یکی از دلایل فارسی‌نویسی کتاب‌های عرفانی این بوده است که این زبان هم‌زمان با رشد شعر صوفیانه به‌عنوان ابزار بیان ظرایف مربوط به آراء و تعلیم صوفیان در عشق تثبیت شده بود» (یارشاطر، ۱۳۹۳: ۳۵۶). متن آثار به فارسی تغییر یافت؛ اما به دلایلی که گفته خواهد شد، عنوان آثار همچنان به زبان عربی انتخاب

می‌شد؛ در متون نظم و نثر در دوره‌های مختلف، انتخاب عنوان برای این آثار اغلب از الگوها و شیوه‌های خاص خود این متون عرفانی پیروی می‌کند. در ادامه به این الگوها و عوامل مؤثر در پیدایش آنها اشاره خواهد شد.

۲-۲ بررسی ساختار زبانی عنوان‌ها

با توجه به اولویت مباحث زبانی در بررسی متون و برپایه نظریه رولان بارت که «هیچ نظام دلالت معنایی بدون زبان‌شناسی، شناختنی نیست» (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳)، نخستین بخش پژوهش را به بررسی عنوان متون عرفانی از نظر الگوهای زبان‌شناسی اختصاص می‌دهیم. در این بخش با انتخاب حجم مشخصی از متون نثر و نظم عرفانی (حدود صد اثر) به تجزیه و تحلیل عنوان آنها می‌پردازیم. با بررسی صورت‌گرفته در عنوان متون عرفانی از نظر ساختار و بافت، عنوان‌های استفاده‌شده در این متون و بسامد هر یک به صورت نتایج آماری نشان داده می‌شود.

۱-۲-۲ عنوان‌های فرد (تک‌واژه‌ای)

این نوع عنوان‌ها اعم از اینکه ساختار ساده، مشتق و مرکب داشته باشد، تشکیل شده از یک واژه است. از نظر شاعر و یا نویسنده، تک‌واژه برای معرفی محتوا کفایت لازم را داشته است.

جدول شماره ۱: عنوان‌های واژه‌ای

متون نظم	مثنوی (مولوی)، عرفان (بیدل)، المصباح (رشید اسفراینی)، طاق‌دیس (ملا احمد نراقی)، میخانه (زلالی خوانساری)، ده‌نامه (اوحدی مراغه‌ای)، طریقت‌نامه (عماد فقیه)، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، اسرارنامه (عطار)، سعادت‌نامه (شبستری)، ولدنامه (سلطان ولد).
متون نثر	معارف (بهاء‌ولد)، مکاتیب (مولوی)، لمعات (عراقی)، نفیسه (عرفی شیرازی)، مناجات‌نامه (خواجه عبدالله انصاری) تمهیدات، یزدان‌شناخت (عین‌القضات)، لوائح (جامی)

۲-۲-۲ عنوان‌های دو بخشی (ترکیبی)

در عنوان‌هایی که ساختار آنها به صورت ترکیب وصفی، اضافی و یا ترکیب عطفی است، هدف پیام‌رسانی دقیق از محتواست. در این ساختار دو واژه باید به ضرورت در کنار هم قرار گیرد تا دلالت عنوانی خود بر متن را بتواند به خوبی ادا کند.

جدول شماره ۲: عنوان‌های ترکیب وصفی و اضافی

متون نظم	<p>طور معرفت، محیط اعظم (بیدل)، منطق الطیر (عطار)، گلشن راز (شبستری)، بحر الاسرار (محمدتقی کرمانی)، سلسله الذهب، سبحة الابرار (جامی)، شعله دیدار، بحر وصال (زلالی خوانساری)، روضه الانوار (خواجوی کرمانی)، نمکدان حقیقت (حکیم شفاپی)، آسمان هشتم (روح الامین)، منطق العشاق، جام جم (اوحدی مراغه‌ای)، آمال العارفين (ابوالقاسم تاجر تهرانی)، اسرار الشهود (اسیری)، خزاین الفوائد (مجدوب تبریزی)، خلد برین (وحشی بافقی)، سلامان و ابسال (جامی)، دستور العشاق (فتاحی نیشابوری)، زاد المسافرين (امیرحسین هروی)، دقائق الحقایق (احمد رومی)، ریحق التحقیق (فخرالدین مبارکشاه)، روضه العاشقین (عزیزالله زاهدی)، روضه المحبین (ابن عماد خراسانی)، صفات العاشقین (هلالی جغتایی)، مونس العشاق (عربشاه یزدی)، سلیمان و بلقیس (زلالی خوانساری)، گوی و چوگان (عارفی هروی)، اسرار مکتوم (غزالی مشهدی)، مظهر الاسرار (عبدی بیگ نویدی شیرازی)، کتاب دلربای (کاتبی نیشابوری)</p>
متون نثر	<p>کیمیای سعادت (غزالی)، کشف المحجوب (هجویری)، مجالس سبعه (مولوی)، بحار الحقیقه، کنوز الحکمه (احمد جام)، صد میدان، طبقات الصوفیه (خواجه عبدالله انصاری)، سوانح العشاق (غزالی)، مناقب العارفين (افلاکی)، سلك السلوک (ضیاء نخشبی)، انسان کامل (نسفی)، اوصاف الاشراف (خواجه نصیر طوسی)، حسنات العارفين، مجمع البحرين (محمد داراشکوه)، اشعة اللمعات (جامی)، ضوء اللمعات (صاین‌الدین اصفهانی)، نسایم گلشن (داعی شیرازی)، بدایة الناكرين (امین بلیانی)، جواهر الاسرار (آذری طوسی)، شرح شطحیات، عبهر العاشقین (روزبهان بقلی)، لغت موران، عقل سرخ، صغیر سیمرغ، رساله الطیر (سهروردی)، نزهة الارواح (امیرحسینی هروی)، فواید الفواید (امیرحسن دهلوی)، نفایس الانفاس (محمدقاسم بن عبدالقادر)، زاد السالك (ملاحسن فیض)، رمز الحقایق (رمزی کاشانی)، جام گیتی‌نما (قاضی میبدی)، تذکرة الاولیا (عطار)، سفینه الاولیاء (محمدداراشکوه)، اسرار مثنوی / شرح اسرار (ملاهادی سبزواری / اسرار)</p>

۲-۲-۳ عنوان‌های طولانی

در عنوان‌های طولانی معمولاً صاحب اثر با اضافه کردن یک ترکیب عطفی، متممی و یا جار و مجرور، در پی معرفی دقیق محتوا و رفع ابهام از عنوان اثر و گاهی ایجاد تناسب لفظی و موسیقایی در عنوان اثر بوده است. این عنوان‌ها در حکم چکیده اثر و اغلب به زبان متفاوت از متن و میراثی

از دوره عربی نویسی آثار در قلمرو زبان فارسی است.

جدول شماره ۳: عنوان‌های طولانی

متون نظم	متون نثر
سیر العباد الی المعاد، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه (سنایی)، اوراد الاحباب و فصوص الآداب (یحیی باخرزی).	روزی با جماعت صوفیان (سهروردی)، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید (محمد بن منور)، مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، مرموزات اسدی در مزمورات داودی (نجم رازی)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه (عزالدین محمود کاشانی)، فردوس المرشدیه فی اسرار صمدیه (محمود عثمانی)، روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتحاح (احمد سمعانی)، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز (لاهیجی)، بستان العارفین و تحفه المریدین (طیسی نیشابوری)، فصل الخطاب لوصل الاحباب الفارق بین الخطا و الصواب (خواجه محمد پارسا)، اخبار الاخیار فی اسرار الابرار (عبدالحق دهلوی)، انیس الطالبین و عده السالکین (احمد جام)، نفعات الانس من حضرات القدس (جامی)، ثمرات القدس من شجرات الانس (لعلی بدخشانی)، فیہ ما فیہ (مولوی)

با بررسی انجام‌شده متوجه می‌شویم که در انتخاب عنوان‌های آثار عرفانی گرایش زبانی شاعران و نویسندگان بیشتر به انتخاب اسم‌ها و عنوان‌های مرکب بوده است (۶۰ درصد) و استفاده از عنوان‌های طولانی کمترین درصد را در بین این آثار دارد (۱۵ درصد). به نظر می‌رسد بیشتر نویسندگان و شاعران در حوزه عرفان به انتخاب عنوان‌های کوتاه بسنده می‌کردند و در این بخش به دنبال لفاظی‌ها پرطمطراق و جلب توجه‌کننده نبوده‌اند. به گونه‌ای که در انتخاب عنوان ۷۵٪ از آثار انتخابی از دو یا کمتر از دو واژه استفاده شده است.

جدول شماره ۴: ساختار نحوی عنوان‌ها

بسامد	نوع ترکیب
۵۲	اضافی (تاکرة الاولیا، صفیر سیمرغ و...)
۱۸	فرد (تک‌واژه)
۱۰	وصفی (انسان کامل، عقل سرخ، صد میدان و...)
۴	عطفی (سلامان و الایسال و...)
۵	اضافی - عطفی - اضافی (اوراد الاحباب و فصوص الآداب و...)
۹	اضافی - جار و مجرور - اضافی (اسرار التوحید فی مقامات ابوسعید و...)
۱	اضافی - متممی - اضافی (مرموزات اسدی در مزمورات داودی)

۱	قید و متمم و ترکیب اضافی (روزی با جماعت صوفیان)
---	---

استفاده از ساختار نحوی ترکیب اضافی با بسامد بالا در عنوان‌های متون عرفانی به قابلیت بالای این ترکیب در ساخت تشبیه و استعاره در آن برمی‌گردد؛ درحالی‌که این ویژگی در ترکیب‌های عطفی و وصفی دیده نمی‌شود. به همین سبب نویسندگان و شاعران به این ساختار زبانی بسیار توجه داشته‌اند.

۲-۲-۴ آرکائیسیم (باستان‌گرایی)

وجود اصطلاحات مربوط به ایران پیش از اسلام در ادبیات عرفانی اعم از شعر و نثر نشانه آن است که عرفان اسلامی در ایران از دو سرچشمه اسلامی - ایرانی بهره برده است؛ یعنی علاوه بر آموزه های قرآنی و سیره بزرگان دین، از حکمت خسروانی نیز استفاده شده است که میراث ادیان پیش از اسلام در ایران است. این نکته آشکارا در متن آثار بزرگانی مانند شیخ اشراق، روزبهان بقلی، عطار، مولوی، حافظ و دیگر بزرگان عرفان و تصوف دیده می‌شود (رک: رضی، ۱۳۷۹: ۴۲۲، ۴۳۷). به نظر می‌رسد استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به آیین‌های پیش از اسلام در ایران و در عنوان متون عرفانی، نوعی ادای دین به سهم معارف ایران باستان در عرفان اسلامی و همچنین مقابله با سنت رایج نامگذاری متون فارسی به زبان عربی است که شکل ابتدال به خود گرفته بود؛ بنابراین می‌توان وجود نام‌هایی از نوع نام‌های زیر را نوعی آشنایی زدایی از الگوهای شناخته‌شده و هنجارگریز زبان در گزینش عنوان دانست. همان‌طور که در نثر صوفیانه، باستان‌گرایی یکی از وجوه پرهیز از ابتدال دانسته شده است (رک: شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۷۱)، این آشنایی زدایی آگاهانه در عنوان‌ها را هم باید یکی از جنبه‌های پرهیز از ابتدال رایج در انتخاب عناوین عربی برای متون فارسی بدانیم. «آشنایی زدایی گاه با هدف افزایش زمان ادراک حسی و مقاصد زیبایی‌شناختی همراه است» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۹).

از جمله این عنوان‌ها عبارت است از: جام جم (اوحدی مراغه‌ای)؛ صفیر سیمرغ (شیخ اشراق)؛ جام گیتی‌نما (قاضی میبدی)؛ یزدان‌شناخت / ایزدشناخت (عین‌القضات)؛ طاق‌دیس (ملا احمد نراقی)

۲-۲-۵ سبک ایدئولوژیک واژگان عنوان

به سبب نگاه زاهدانه، فرامادی و دنیاگریز در محتوای متون عرفانی، واژگان عنوان‌ها نیز از این نگاه جدا نبوده و در انتخاب عنوان‌ها از واژه‌هایی با بار ایدئولوژی عرفانی استفاده شده است که بازتاب‌دهنده نگرش عرفانی صاحب اثر است. به گونه‌ای که با دیدن عنوان به محتوای عرفانی اثر پی

می‌بریم. با نگاهی به واژگان به‌کاررفته در عنوان‌ها می‌توان آنها را در سه گروه زیر دسته‌بندی کرد.

جدول شماره ۵: ارزش‌گذاری واژگان به‌کاررفته در عنوان

واژگان ایدئولوژیک (عرفانی)	اسرار (راز، رمز): ۱۱ بار، عشاق (عاشقان): ۴ بار، اولیاء: ۲ بار، عارف: ۲ بار، صوفی: ۲ بار، طالب: ۲ بار، سالک، ذاکر، احباب، طریقت: ۲ بار، معرفت، وصل، شهود، شطح، مصباح، ابرار، دیدار، توحید، هدایت، اوراد، مقامات، اعجاز، انوار، وصال، کشف، حقیقت، آسمان، طور، محب، معاد، سیمرغ، حسنات، شیخ، یزدان، محبوب، مرصاد، ام‌الکتاب، مزمور، مرید، مرشد، جبرئیل
واژگان ادبی	حدیقه، روضه، گلشن، کیمیا، لمعات، نسایم، جام، سفینه، طاق‌دیس، مفتاح، بستان، محیط (بحر، دریا)، خزاین، عبهر، رحیق، اشعه، ثمرات، شجرات
واژگان خنثی	روزی، کتاب، دستور، فواید، تمهیدات، موران، گیتی، مثنوی، تذکره، رساله، منطق، لغت، بدایه، نزهه، شرح، آواز، پر

۲-۳ الگوی بلاغی (زیبایی‌شناسی) عنوان‌ها

نگاه عرفانی به پدیده‌های مادی و غیرمادی نگاهی هنری و جمال‌شناسانه است و به همین سبب به‌جز متون شعر در متون نثر عرفانی هم جلوه‌های شعری بسیار است و متون نظم و نثر عرفانی، حتی با محتوای تعلیمی، زبان و سبکی شاعرانه دارد. این نگاه زیبایی‌شناسانه در انتخاب بیشتر عنوان‌های آثار عرفانی ظهور یافته است که باید آن را امری طبیعی دانست؛ زیرا با روح و ساختار شاعرانه بیشتر این آثار تناسب دارد. بیشتر عنوان‌های انتخاب‌شده در این متون، گزاره‌های عاطفی است؛ «در شعر و دیگر هنرها و در قلمرو تجربه‌های عرفانی ما با ساحت عاطفی زبان سر و کار داریم که زبان معرفت است نه زبان علم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۲) و «عرفان اصیل جز در یک زبان هنری و جمال‌شناسانه امکان تحقق ندارد» (همان: ۳۹)؛ ازسوی دیگر این زبان در متن متون عرفانی باید هم جنبه رسانگی زبان و هم جنبه عاطفی و هنری را در شرح و توضیح و توصیف حالات عرفانی ایفا کند؛ به همین سبب شاعر و نویسنده از نشانه‌های زبانی‌ای استفاده می‌کند که جنبه خبری - هنری زبان را هم‌زمان داشته باشد تا مقصود نویسند و شاعر برآورده شود. اهمیت بررسی عنوان‌های متون عرفانی و ادبی در یک دوره و یا موضوع خاص از این نظر نیز درخور تأکید است که گاه بررسی جمال‌شناسی عنوان انتخابی برای یک اثر ذهنیت شاعر و

نویسنده را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که «در جمال‌شناسی نام کتاب‌ها در هر دوره، ساختارهای نحوی مورد علاقه شاعران و نویسندگان، تم‌ها و موتیوهای مورد توجه را نشان می‌دهد و هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساختارهای جمال‌شناسی یک شاعر حتی دیوان‌های او خوانده شود، می‌توان از روی نام کتاب‌ها ذهنیت او را تحلیل کرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۲).

در بررسی عنوان متون عرفانی با توجه به محتوای آثار و ویژگی ذکرشده آنها، از نظر استفاده از صنایع ادبی درمی‌یابیم که در این آثار از هر دو نوع صنایع بدیعی استفاده شده است.

۲-۳-۱ صنایع لفظی

در زبان فارسی نخستین بار نثرهای مسجع در متون نثر عرفانی به کار گرفته شد و نویسندگان به موسیقی و آهنگین بودن کلام در نثر عرفانی بیش از متون دیگر توجه داشتند؛ با موفق بودن این تجربه در جذب مخاطب، بعدها نویسندگان آثار غیرعرفانی از جمله متون تاریخی و تعلیمی هم از این شیوه استقبال کردند. از این رو نویسندگان به استفاده از تناسب‌های لفظی اعم از سجع، جناس، تضمین مزدوج و... در انتخاب عنوان آثار عرفانی توجه داشته‌اند. البته باید به این نکته توجه داشت که به سبب محدود بودن عنوان، عرصه برای هنرنمایی به صنایع خاصی محدود بوده است.

۲-۳-۱-۱ سجع (تناسب‌های لفظی)

در عنوان‌های طولانی، استفاده از روش هماهنگ‌سازی یا تسجیع که بر همسانی هرچه بیشتر صامت‌ها و مصوت‌ها استوار است، به یک شیوه و سبک تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که به ندرت عنوان طولانی بدون استفاده از این تناسب لفظی دیده می‌شود و با توجه به کاربرد سجع در نثر، بیشترین آثار در این شیوه متون نثر هستند تا نظم. این نوع تناسب با سجع درون متن متفاوت است؛ چون عنوان‌ها ساختار جمله‌ای ندارد؛ اما نمی‌توان تناسب موجود در عنوان‌ها را نادیده گرفت و گونه‌ای از سجع و ترصیع ندانست و جنبه موسیقایی و شاعرانگی آن را ندید؛ زیرا از یک نظر «موسیقی علم نسبت‌ها است و شعر جز به موسیقی رسیدن کلام نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸ ب: ۲۹۴).

جدول شماره ۶: عنوان‌های دارای سجع و ترصیع

ثمرات القدس من شجرات الانس اوراد الاحباب و فصوص الآداب حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه	فصل الخطاب لوصول الاحباب الفارق بین خطا و ثواب روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتاح مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد
---	--

مرموزات اسدی در مزمورات داودی	نفحات الانس من حضرات القدس
اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید	

۲-۳-۲ ازدواج

در اسامی کوتاه تر برای استفاده از موسیقی زبان از صنعت ازدواج به جای سجع استفاده شده است که نسبت به سجع بسامد کمتری دارد؛ مانند سلک السلوک؛ نفایس الانفاس؛ دقایق الحقایق/ حقایق الدقایق.

۲-۳-۲ صنایع معنوی و علم بیان

در بخش صنایع معنوی و علم بیان به سبب زبان شاعرانه و نمادین، استفاده از زبان غیر صریح و رمزی برای توصیف مباحث و حالات عرفانی در متون عرفانی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد؛ به همین دلیل دلالت ضمنی جایگزین دلالت مستقیم در نشانه‌های عناوین شده است؛ عامل بالابودن بسامد استفاده از صنایع معنوی بدیعی و علم بیان در انتخاب عنوان متون عرفانی همین امر است.

۲-۳-۲ تشبیه

به دلیل ضرورت استفاده از تشبیه در بیان مفاهیم عرفانی و کاربرد آن در عنوان آثار و محدودیت نویسنده و شاعر در محور افقی کلام، تنها تشبیه بلیغ اضافی قابلیت استفاده دارد؛ از آن جمله است: طور معرفت، گلشن راز، بحر الاسرار، نمکدان حقیقت، کنوز حکمت، ثمرات القدس من حضرات الانس، جواهر الاسرار، بحر الحقیقه، ریحق التحقيق، بحر وصال.

۲-۳-۲ عنوان‌هایی با ساختار استعاری

در بین عنوان‌های مرکب و کوتاه، صورت خیال استعاره کاربرد بیشتری نسبت به تشبیه دارد که به سبب هنری تر بودن و غیر صریح بودنش با زبان عرفانی تناسب بیشتری دارد. این عنوان‌ها استعاره‌ای از محتوا و یا کلیت اثر است. همان‌طور که گفته شد از طریق «دلالت ضمنی که معنای مرتبه دومی است که از ساخت واژه به عنوان یک نشانه حاصل می شود» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۲۷)، این استعاره‌ها با توجه به نگاه عرفانی همگی بار معنایی مثبت و زیبایی شناسانه دارد. از آنجا که «سبک استعاری مناسب بیان حالات و دریافته‌های شخصی و تخیلی است، برای کسی که تجربه تازه‌ای فراتر از عادات زبانی بیان می کند، توسل به استعاره و رمز ناگزیر است؛ زیرا قطب استعاری امکان حرکت ذهن را در عوالم خیال و رؤیا و هیجان‌های عاطفی آماده می کند. هرچه خیال و شور

و هیجان بر احوال مؤلف بیشتر چیره شود، نظام استعاری متن گسترده‌تر می‌شود و میزان کاربرد صناعات بلاغی افزایش می‌یابد» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۹).

عنوان‌های استعاری: المصباح، طاق‌دیس^۱، لمعات، خزاین ملکوت، خلد برین، روضة العاشقین، کیمیای سعادت، مجمع البحرین (استعاره از عرفان ایران و هند)، اشعة اللمعات، نسایم گلشن (شرح گلشن راز)، نزهة الارواح (سنبلستان)، سفینه الاولیاء، ام‌الکتاب، ریاض العارفین، عبهر العاشقین، محیط اعظم، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة.

۲-۳-۲-۳ ایهام (اتفاق)

برخی از نویسندگان از این آرایه به شیوه هنرمندانه در نامگذاری استفاده می‌کنند؛ به گونه‌ای که یک واژه از عنوان با نام نویسنده یا حاکم و حامی اثر نیز تناسب دارد و غیرمستقیم هر دو هدف نویسنده برآورده می‌شود. همان‌گونه که برخی از شاعران مانند مولوی (خמוש / خاموشی) و ابتهاج (سایه) از این شیوه در کاربرد تخلص خود استفاده می‌کنند.

۱) رمز حقایق: در نگاه اول هیچ نکته‌ای از صنعت ایهام در آن دیده نمی‌شود و عنوان با محتوای عرفانی اثر متناسب است؛ کتاب رموز حقایق عرفانی را بیان می‌کند؛ اما وقتی در کنار نام نویسنده (رمزی کاشانی) قرار می‌گیرد، متوجه ظرافت این نامگذاری می‌شویم.

۲) مرموزات اسدی در مرموزات داودی: در این اثر واژه داود به گونه‌ای به کار رفته است که با کلمه مرموز و کتاب مزامیر داود پیامبر تناسب دارد؛ در حالی که کتاب به شخصی به نام علاء‌الدین داودشاه تقدیم شده است.

۳) کلام قلندری: دیوان شعر بوعلی قلندری با مضمون عرفانی سروده شده است و واژه قلندر، هم به نام شاعر و هم به قلندر عارف اشاره دارد.

۲-۳-۲-۴ عنوان‌های تلمیحی

نام‌هایی که با اشاره به یک واقعه یا بخشی از قرآن و یا شعر انتخاب شده است؛ مانند طور معرفت و شعله دیدار: هر دو اشاره به واقعه کوه طور؛ لغت موران: اشاره به سوره نمل؛ جام جم؛ جام گیتی‌نما: اشاره به داستان جام در روایت‌های پیش از اسلام؛ مرموزات اسدی در مرموزات داودی: تلمیح به داود پیامبر؛ ام‌الکتاب (آل عمران: ۷ و زخرف: ۴)؛ مرصاد العباد (فجر: ۴)؛ مجمع البحرین (کهف: ۶۰).

۲-۳-۵ استفاده از نمادها (رمز) برای نامگذاری

یکی از ویژگی‌های زبان عرفانی استفاده از نمادها و رمز برای بیان مفاهیم عرفانی است که در اشعار شاعران و برخی از داستان‌ها و متون نثر نیز استفاده شده است؛ زیرا رمز چیزی از جهان شناخته شده و دریافتنی با حواس است که به چیزی از جهان ناشناخته و غیرمحسوس و یا به مفهومی جز مفهوم متعارف و مستقیم خود اشاره کند (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۲۳). ازین رو علاوه بر استفاده از نمادها در متن آثار عرفانی، برخی شاعران و نویسندگان از این شیوه برای نامگذاری آثار خود نیز استفاده کرده‌اند. نکته جالب فارسی بودن این واژگان است و استفاده از اساطیر ملی در عنوان‌ها که به پیوند و هماهنگی میان عناصر اساطیری ایرانی و اسلامی در حکمت اشراق اشاره دارد (همان: ۱۹۴)؛ این موضوع علاوه بر نشان دادن ظرفیت زبان فارسی به پیشینه کهن این نمادها دلالت دارد. از آن جمله است: گوی و چوگان (نماد عاشق و معشوق)، صفیر سیمرخ، جام جم، جام گیتی نما، میخانه، بهرام و بهروز (نماد شرّ و خیر)، منطق الطیر، هفت حصار، لغت موران، قصه مرغان (رساله الطیر)، آواز پر جرنیل، سلامان و ابسال (سلامان نماد نفس ناطقه و ابسال نماد تن شهوت پرست).

بیشترین استفاده از این شیوه در متن و در نتیجه بازتاب آن در عنوان آثار، به نوشته‌های شیخ اشراق برمی گردد.

جدول شماره ۷: بسامد صنایع ادبی در عنوان‌ها

بسامد	صنعت ادبی و صورت خیال
۱۸	استعاره
۱۲	نماد
۱۱	سجع
۱۰	تشبیه
۹	تلمیح
۴	ازدواج

۳	ایهام
---	-------

۲-۴ عوامل اثرگذار در نامگذاری متون عرفانی

در انتخاب عنوان یک اثر عواملی بسیاری دخالت دارد که این عوامل گاه درون متنی و گاه فرامتنی است. نویسندگان و شاعران بسته به شرایط اجتماعی - سیاسی، نگاه شخصی و... براساس یکی از الگوها به انتخاب و یا ابتکار دست می‌زنند.

۲-۴-۱ عوامل درون‌متنی

در این بخش به عواملی می‌پردازیم که موضوع متن یا ساختار متن و یا شخصیت‌هایی که بخشی از متن است، به‌طور مستقیم در عنوان دخالت دارد. با نگاهی به برخی از عناوین به‌راحتی می‌توان به محتوا و موضوع اثر پی برد. در این آثار گاه عنوان آشکارا به موضوع اشاره دارد و گاه به‌شکل غیرصریح و با کمک علم بیان به شیوه هنری و یا نمادهای شناخته‌شده به معرفی اثر می‌پردازد.

۲-۴-۱-۱ محتوا

الف) عنوان‌هایی که مستقیماً به محتوا اشاره دارد و برگرفته از محتواست؛ مانند الهی‌نامه، مناجات‌نامه، عرفان، اسرارنامه، اسرار الشهود، طریقت‌نامه، مناقب العارفین، شرح شطحیات، سیر العباد الی المعاد، دستور العشاق، دقایق الحقایق، سلک السلوک، فی حقیقة العشق، انسان کامل، المعارف.

ب) عنوان‌هایی که به شیوه استعاری و تشبیهی به محتوا اشاره دارد؛ مانند طور معرفت، المصباح، بحر اسرار، محیط اعظم، سلسله الذهب، حدیقة الحقیقة، ریحیق التحقیق، روضة الانوار، لمعات، مصباح الهدایة، مفتاح المفاتیح، نزهة الارواح، طاقدیس، کیمیای سعادت، بستان العارفین.

ج) عنوان‌هایی که به شیوه نمادین به محتوای اثر اشاره دارد؛ مانند جام جم، میخانه، صفیر سیمرخ، منطق الطیر^۲، رساله الطیر، لغت موران، جام گیتی‌نما.

۲-۴-۱-۲ عنوان‌های برگرفته از ساختار و فرم اثر

در این الگو نویسنده یا شاعر اثر خود فصل‌بندی می‌کند و براساس تعداد و یا نام فصل‌ها عنوانی برای اثر خود انتخاب می‌کند. این نوع آثار اغلب جنبه تعلیمی و آموزشی دارد و نویسنده مباحث عرفانی را جداگانه در فصول مختلف مطرح می‌کند. این شیوه بیانگر ساختار بیرونی کتاب است؛ اما اغلب معرف محتوای اثر نیست و خلاقیت نویسنده بیشتر در انتخاب عنوان بخش‌های

کتاب است که قرار است در عنوان بازتاب داشته باشد.

جدول شماره ۸: عنوان‌های مرتبط با فصل‌های کتاب

عنوان	تعداد فصل
مجالس سبعة	هفت مجلس
طبقات الصوفیه	پنج طبقه
تمهیدات	ده تمهید
لمعات	بیست و هشت لمعه به تعداد حروف عربی
ده نامه	ده فصل
مزموزات اسدی در مزموزات داودی	ده مزمور
اوراد الاحباب و فصوص الآداب	شصت فص
عشرة کامله	ده مبحث عرفانی
خزاین ملکوت	هفت خزانه
ریاض العارفين	دو روضه یک فردوس و یک خلد
خلد برین	شش روضه (تناسب با خلد)
جام جم	سه دور (تناسب با جام)
سبحة الابرار	در چهل عقد و مجموع عقدها یک سبحة
مثنوی ^۳	قالب و فرم

حالت دیگری از رابطه عنوان و ساختار اثر، انتخاب عنوان از بخشی از ساختار اثر یا یک بخش از عبارت‌های آن است.

- روزی با جماعت صوفیان (روزی با جماعت صوفیان در خانقاهی نشسته بودم...)

- فی حالة الطفولية (در طفولیت بر سر کویی چنانکه عادت کودکان باشد بازی می‌کردم...)

- لغت موران: از نه فصل تشکیل شده است و هرکدام حکایتی تمثیلی - عرفانی است. نام رساله فقط از فصل اول گرفته شده است که حکایت موران و بحث آنهاست و درباره منشأ قطره‌های شبنم بحث می‌کنند.

۲-۴-۱-۳ عنوان‌های برگرفته از شخصیت‌های متن

آثاری مانند *سلامان و ابدال*، *گوی و چوگان*، *بهرام و بهروز* و *عقل سرخ* از این جمله است.

این امر درباره یک متن عرفانی کم‌سابقه است؛ ولی چون شخصیت‌ها نمادین هستند، در داستان *عقل سرخ*، فرشته که همان عقل فعال است، در قالب پیری در عین حال جوان با محاسن و رنگ و رویی سرخ ظاهر می‌شود. به همین مناسبت سهروردی نام داستان را *عقل سرخ* گذاشته است (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۳۲۲) و در مقایسه با سه اثر دیگر در نوع خود بدیع و جذاب است.

۲-۴-۲ عوامل برون‌متنی

در تاریخ زبان و ادبیات فارسی همیشه بخش اعظمی از متون نظم و نثر از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان خود تأثیر پذیرفته است که امری طبیعی و توجیه پذیر است؛ اما این تأثیرپذیری در همه آثار و موضوعات یکسان و به یک اندازه نیست. در متون عرفانی تأثیرپذیری از عوامل خارج از متن نسبت به موضوعات دیگر بسیار پایین و در مواردی انگشت‌شمار است، مگر در متون و آثار نویسندگان غیرمشهور که معمولاً عنوان‌های انتخاب‌شده براساس عوامل فرامتنی یا برون‌متنی بی‌بهره از ارزش‌گذاری متنی و نسبت به متن خنثی است.

۲-۴-۲-۱ استفاده از نام حاکم و حامی در عنوان اثر

در متون عرفانی به سبب نوع محتوا و ذات اثر و در اغلب موارد به سبب شخصیت نویسنده، نام شخصیت‌های حاکمیتی در عنوان اثر قرار نمی‌گیرد؛ زیرا این آثار سفارشی تولید نمی‌شود و روح عرفان بر آزادی و آزادی از هر نوع تعلق استوار است. این امری طبیعی و پذیرفتنی به نظر می‌رسد که عوامل دنیوی و مادی در آن اثرگذار نباشد.

در بین آثار عرفانی تنها چند اثر محدود از این قاعده کلی استثنا شده است:

- *مرموزات اسدی در مزمورات داودی*^۴: به نام علاء‌الدین داود شاه بن بهرام شاه پادشاه ارزنجان.

- *رساله جمالی*: رساله‌ای از عین‌القضات برای جمال‌الدین شرف‌الدوله از شاهزادگان معاصر او.

۲-۴-۲-۲ قرار گرفتن نام صاحب اثر در عنوان

با توجه به هدف عرفان که فناء فی الله و مبارزه با هر نوع نفسانیت است، در متون عرفانی به‌ندرت مواردی از این سبک نامگذاری را در آثار غیربرجسته می‌بینیم که در مقایسه با کل آثار عرفانی بسامد بسیار پایینی است. البته این قرارگرفتن نام نویسنده در عنوان‌ها اغلب به‌صورت غیرصریح و به‌صورت «قصد الوجهین» است که هم به موضوع اثر اشاره دارد و هم نام پدیدآورنده

در آن است؛ از آن جمله است: *مرموزات اسدی در مزمورات داودی* (از ابوبکر اسدی رازی معروف به نجم دایه)، *کلام قلندری* (از بوعلی قلندری)، *رمز حقایق* (از رمزی کاشانی)، *ولد نامه* (از سلطان ولد)، *سبعه عبدی* (از عبدی بیگ شیرازی)، *اسرار مثنوی / شرح اسرار* (از ملاهادی سبزواری متخلص به اسرار).

۲-۵ نقش‌های عنوان در متون عرفانی

عنوان یک اثر، کارکردهای گوناگونی دارد؛ ژرار ژنت (۱۹۳۰-۲۰۱۸) که جامع‌ترین پژوهش را در حوزه عنوان‌ها و مدخل‌ها انجام داده است، در اثر خود با عنوان «زمینه‌ها» برای عنوان چهار نقش اساسی ذکر می‌کند (رک. بخیت، ۱۳۹۲: ۳۹-۴۱).

۲-۵-۱ نقش تعیین‌کنندگی

در این نقش، عنوان وظیفه نامگذاری و معرفی اثر به مخاطب را بر عهده دارد و همچنین تعیین‌کننده هویت متن است. همه عنوان‌ها این نقش را ایفا می‌کنند.

۲-۵-۲ نقش وصفی

عنوان در این نقش به توصیف موضوع متن و کلیت اثر می‌پردازد و قبل از خواندن، از محتوای کلی متن خبر می‌دهد و تصویری از محتوا در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که نسبت به نقش قبل جزئی‌تر است.

۲-۵-۳ نقش دلالت‌کننده

با خواندن متن و دریافت مفاهیم آن مخاطب به دلالت آن پی می‌برد. اهمیت دیگر عنوان در کلیدواژه‌بودن آن برای دریافت متن است که بین متن و مخاطب قرار می‌گیرد. به‌طوری که گاه دریافت کلیت و لب متن فقط با عنوان فهمیده می‌شود.

۲-۵-۴ نقش جلب‌کننده (ترغیبی)

یکی از نقش‌های زبان نقش ادبی است. در نقش ادبی جهت‌گیری پیام به‌سوی خود پیام است. صورت‌گرایان دو فرایند زبانی را از یکدیگر بازمی‌شناختند و بر این دو فرایند نام خودکاری و برجسته‌سازی نهادند.

به عقیده هاورانک (B-Havranek) فرایند خودکاری زبان در اصل به‌کارگیری عناصر زبان است؛ به‌گونه‌ای که به قصد بیان موضوعی به کار رود، بدون آنکه شیوه بیان جلب نظر کند؛ اما

شیوه برجسته‌سازی به کارگیری عناصر زبان به گونه ای است که شیوه بیان جلب نظر کند و غیرمتعارف باشد و در مقابل فرایند خودکاری زبان غیرخودکار باشد (صفوی، ۱۳۷۳: ۳۵-۳۶). براساس آنچه گفته شد در این نقش، عنوان عاملی برای جلب توجه مخاطب و خواننده است و به مثابه تابلو تبلیغاتی عمل می‌کند؛ در صورت استفاده صحیح از این نقش سبب کشش خواننده به انتخاب و مطالعه متن می‌شود. در عنوان‌هایی با نقش جلب‌کننده از صنعت اغراق، مبالغه، استعاره و یا هر صنعت ادبی دیگر استفاده شده است و صاحب اثر عنوانی ویژه و خارج از شکل رایج زبان ارتباطی انتخاب می‌کند تا بر این نقش عنوان تأکید کرده باشد.

در این بخش بیشتر عنوان‌های متون عرفانی به سبب داشتن جنبه‌های بلاغی و نمادین از نوع ترغیب‌کننده و برجسته‌ساز است و ویژگی خودکاری زبان را ندارد.

جدول شماره ۹: نقش‌های عنوان در متون عرفانی

نقش وصفی	نقش دلالت‌کننده	نقش برجسته‌ساز (جلب‌کننده)
عرفان، الهی‌نامه، معارف، یزدانشناخت، مناجات‌نامه	مناقب العارفين، سوانح لعشاق، شرح شطحیات، اسرار التوحید فی مقامات ابوسعید، مفاتیح العجاز فی شرح گلشن راز، سیر العباد الی المعاد و...	المصباح، طاق‌دیس، میخانه، لمعات، جام جم، خلد برین، جام گیتی‌نما، مجمع البحرین، کیمیای سعادت، ثمرات القدس من شجرات الانس، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقه، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه و...

۶-۲ آسیب‌شناسی نامگذاری در متون عرفانی

در بحث آسیب‌شناسی عنوان‌های آثار عرفانی، به برخی از اشکالات و نقص‌های موجود در عنوان‌ها که پیامد آنها نارسایی، مطابقت‌نداشتن با محتوا و نداشتن جذابیت است، اشاره می‌شود؛ همچنین به عوامل ایجادکننده این آسیب‌ها نیز اشاره خواهد شد.

۱-۶-۲ دوگانگی زبان عنوان و متن

بخش عمده عنوان‌های متون نظم و نثر فارسی تا دوره مشروطیت به زبان عربی است که میراث دوره نفوذ مطلق زبان عربی در محدوده سه قرن اول هجری در ایران است؛ به دلایل فروپاشی

ساختار سیاسی و به دنبال آن فروپاشی همه ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و مهجور شدن زبان فارسی و حاکمیت زبان عربی در همه مراکز قدرت سیاسی و دینی، ناگزیر نویسندگان و شاعران ایرانی آثار خود را به زبان عربی می نوشتند تا هم مخاطبان گسترده تری داشته باشند و هم در فضای سیاسی حاکمیت اعراب متعصب که به فعالیت فرهنگی با نگاه شک و تردید می نگریستند، بتوانند برای خود فضای فعالیت ایجاد کنند.^۵ پس از مدتی نویسندگان و شاعران ایرانی نگارش و سرودن به زبان فارسی را آغاز کردند؛ اما وجود عنوان عربی برای متون فارسی تا دوره مشروطیت به شکل فراگیر و گسترده باقی ماند. این امر احتمالاً در ابتدا به سبب غالب و فراگیر بودن زبان عربی نسبت به زبان فارسی حالت معرفی اثر به غیرفارسی زبانان را داشته است تا با کمک عنوان که گاه طولانی هم بود، با محتوای کلی متن آشنا شوند؛ در واقع عنوان در حکم چکیده متن به زبان علمی روز جهان اسلام بوده است.

از بین صد اثر منتخب عرفانی تنها هشت اثر نام کاملاً فارسی سره دارد: میخانه، جام جم، یزدان شناخت، آسمان هشتم، جام گیتی نما، گوی و چوگان، بهرام و بهروز، ده نامه و بیست اثر به صورت ساختار ترکیبی عربی - فارسی است: اسرار نامه، نمکدان حقیقت، صفیر سیمرغ، هفت حصار، گلشن راز و نسایم گلشن و... عنوان هفتاد دو اثر دیگر کاملاً عربی است.

جدول شماره ۱۰: زبان عنوان‌ها

زبان عنوان	پسامد
فارسی سره	۸ مورد
ترکیب عربی - فارسی	۲۰ مورد
عربی	۷۲ مورد

۶-۲-۲ نارسایی عنوان (مطابق نبودن عنوان با محتوا)

برخی از عنوان‌های انتخابی تناسبی با محتوای اثر ندارد که این امر ناشی از نداشتن اهتمام جدی نویسنده و یا شاعر به انتخاب نام مناسب بوده است؛ برای نمونه در کتاب‌هایی مثل انسان کامل، کشف‌المجوب، اسرار التوحید، مصباح‌الهدایه، الهی‌نامه و تذکرة الاولیا بین محتوای عرفانی و عنوان تناسب کامل برقرار است؛ اما در عناوینی مثل گوی و چوگان، بهرام و بهروز، کتاب

دلربای، فواید الفواید، سعادت‌نامه، مصیبت‌نامه و مجمع البحرین به هیچ وجه نمی‌توان به موضوع منظور نویسنده و شاعر پی برد و نمی‌توان بین عنوان و محتوای اثر به‌سادگی ارتباطی یافت. این تناسب نداشتن گاهی در سرنوشت یک اثر از نظر اقبال مخاطبان مؤثر بوده است.^۶ حتی گاهی در برخی آثار شائبه فریب مخاطب مخاطب از طریق عنوان جذاب دیده می‌شود؛ منظومه عرفانی سلیمان و بلقیس از زلالی خوانساری از این جمله است. این اثر در اصل یک ساقی‌نامه است و برخلاف نامش، اصلاً به داستان سلیمان و بلقیس نمی‌پردازد؛ فقط در ضمن شرح سوز و گداز عارفانه نامی هم از سلیمان به میان می‌آید (شریفی، ۱۳۸۷: ۸۲۲).

۶-۳-۲ تقلید از عنوان‌های گذشته

یکی از آسیب‌های موجود در نامگذاری آثار عرفانی، تقلید از عنوان‌های آثار قبلی است. این تقلید گاه از اثری با محتوای یکسان صورت می‌گیرد و گاه از آثاری با محتوای متفاوت که در هر دو صورت نشانه نداشتن توجه جدی صاحب اثر برای انتخاب نام اختصاصی و مناسب برای اثر خود است؛ یا اینکه شاعر یا نویسنده سخت تحت تأثیر نام اثر برجسته و مشهور قبل از خود قرار گرفته و همان را برای اثر خود برگزیده است.

۶-۳-۱ تقلید کامل از عنوان‌های آثار قبلی با موضوع غیرهمسان

- کشف‌المحجوب (هجویری) که یکی از آثار برجسته عرفانی قرن پنجم است، عنوان خود را از کشف‌المحجوب ابویعقوب اسحاق بن احمد سگزی در قرن چهارم گرفته است که از متون مهم فلسفی اسماعیلیه است.

- زاد‌المسافرین منظومه‌ای عرفانی از امیرحسین هروی است و عنوانش از زاد‌المسافر/ زاد‌المسافرین کتاب ناصرخسرو گرفته شده است که در حکمت اسماعیلیه است.

- رساله الطیر (سهروردی) که پیشتر ابن‌سینا و غزالی رساله‌ای با همین نام داشته‌اند.

۶-۳-۲ تقلید از آثار قبل با مضمون واحد

- منازل‌السائرين از عزیزالدین نسفی که به تقلید از اثری با همین نام و موضوع از خواجه عبدالله انصاری نامگذاری شده است.

- الهی‌نامه عطار که برگرفته از نام دیگر حدیقه سنایی است.

- مکاتیب مولوی که تکرار عنوانی از آثار سنایی است.

– ده نامه‌ها، عنوانی است که شاعران بسیاری آن را تکرار کرده‌اند؛ از جمله فتحی نیشابوری، عمادفقیه، همام تبریزی، رکن صاین هروی و اوحدی مراغه‌ای. البته همگی ساختار و عنوان را از فخرالدین عراقی گرفته‌اند. معمولاً وقتی در مضمون و ساختار نوآوری وجود نداشته باشد، انتظار نوآوری و خلاقیت در نامگذاری انتظاری نابخاست.

۶۲-۳-۳ تقلید ناقص از عنوان‌های قبل

پس از شکل‌گیری آثار برجسته در حوزه عرفان و حماسه و منظومه‌های عاشقانه و متون اخلاقی، نویسندگان و شاعران بسیاری به تقلید و نظیره‌گویی از این آثار روی آوردند که هدف نه خلق یک اثر هنری که فقط اثبات توانایی شاعر و نویسنده در آن شیوه بود؛ در نتیجه اندیشه و طرزی نو از تفکر در آنها دیده نمی‌شود (صفا، ۱۳۸۶، ج ۵: ۶۱۲).

همان‌طور که بیشتر تقلیدها و نظیره‌ها عموماً در سطح بسیار پایین تری از متن برجسته قرار می‌گرفتند، عنوان‌های این آثار هم مشکل داشتند و فقط به تناسب ظاهری و موسیقایی با عنوان اصلی بسنده می‌کردند؛ برای مثال منظومه عرفانی *مظهر الاسرار* از هاشمی کرمانی را می‌توان نام برد که به تقلید از *مخزن الاسرار* نظامی شده است و عنوان منظومه را هم در همان ساختار نحوی و وزنی *مخزن الاسرار* انتخاب کرده است و یا کتاب *ثمرات القدس من شجرات الانس* از لعل بدخشانی (قرن ۱۰) که برگرفته از *نفحات الانس من حضرات القدس* جامی است. همچنین فخرالدین عراقی منظومه‌ای عرفانی با نام *عشاق‌نامه/ ده‌نامه* می‌سراید که در بیان وصف عشق و عاشق از نظر تصوف و عرفان است و با ترکیبی از مثنوی و غزل‌هایی در همان بحر است؛ این اثر با توجه به شهرتی که به سبب این شیوه بیان موضوع و ابتکار در خلق ساختار جدید به دست می‌آورد، شاعران زیادی از آن استقبال می‌کنند که عموماً هم در ساختار و موضوع و حتی عنوان از تقلید فراتر نمی‌روند. عنوان‌هایی مانند *منطق العشاق* و *تحفة العشاق* از اوحدی مراغه‌ای و صاین هروی را در همین موضوع می‌توان ارزیابی کرد. نمونه دیگر از این دست، تذکره *میخانه* است که نخستین تذکره ادبی در ذکر ساقی‌نامه‌ها و سرایندگان آنها از عبدالنبی فخرالزمانی است. این اثر کاملاً ابتکاری است؛ اما در تقلید از این تذکره، تذکره‌هایی مانند *خمکده* از میر عیسی همت‌خان با عنوان و ساختار نزدیک به هم تألیف شده است.

۶۲-۴ چندنامی بودن آثار / کوتاه‌شدن عنوان

یکی از نابسامانی‌ها و آسیب‌های موجود در عنوان‌های آثار نظم و نثر فارسی وجود دو و گاهی

چند عنوان برای یک اثر است. این امر ناشی از چندین عامل است که لزوم تغییر نام و یا چندنامی را برای یک اثر موجب می‌شود. عواملی مانند رضایت‌نداشتن صاحب اثر، طولانی‌بودن عنوان، تناسب‌نداشتن با محتوا (نارسایی در معرفی متن)، وجود عنوان مشابه، دخیل‌کردن ساختار و محتوا در عنوان که در ادامه برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر خواهد شد.

۱-۴-۶۲ طولانی‌بودن عنوان

براساس اصل کم‌کوشی زبان، عنوان‌های طولانی از حالت اطناب به عنوان‌های کوتاه‌تر و حالت ایجاز تغییر می‌کند. مخاطبان و خوانندگان کتاب این تغییر نام را انجام می‌دهند:

- *نفحات الانس من حضرات القدس* (جامی) ← *نفحات الانس*
- *حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه* (سنایی) ← *حدیقه/الهی‌نامه/فخری‌نامه*
- *مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد* (نجم رازی) ← *مرصاد العباد/مرصاد*

۲-۴-۶۲ استفاده از دو بعد ساختار و محتوا

در بین آثاری که دو یا چند عنوان دارد، گاهی یک عنوان به ساختار و عنوان دیگر به محتوا اشاره دارد؛ زیرا نویسنده به هر دو جنبه اثر خود توجه داشته است.

- *تمهیدات/تماهید* (عین‌القضات) که نامی براساس ساختار اثر (ده تمهید) است. عنوان دوم یعنی *زبدۃ الحقایق* که به محتوا اشاره دارد معرفی کتاب را کامل می‌کند.

- *ده نامه* (عراقی) که نامی براساس ساختار ده قسمتی آن است با نام محتوایی *عشاق‌نامه* همراه شده است.

- *سی‌نامه* (امیر حسین هروی) که از سی‌نامه تشکیل شده که براساس محتوا (محب و محبوب) نامگذاری شده است.

- *سبعۃ عبدی* (عبدی بیگ شیرازی) که از هفت بخش تشکیل شده و نام محتوایی آن *خزاین ملکوت* است.

۳-۴-۶۲ نام فارسی و نام عربی

- *فلک البروج* (روح‌الامین میرجمله) با نام فارسی *آسمان هشتم*
- *رسالة الطیر* (سهروردی) با نام فارسی *قصه مرغان*

۴-۴-۶۲ تقلید و تکرار

ده‌نامه‌های اوحدی مراغه‌ای و صاین هروی به سبب تکراری و تقلیدی‌بودنشان از ده‌نامه عراقی

و برای پرهیز از اشتباه، ناچار به داشتن نام دوم (منطق العشاق و تحفة العشاق) شده‌اند.

۷-۲ عنوان‌های فربه‌تر از متن

برخی عنوان‌ها مطابق با موضوع و هم‌سطح مطلب انتخاب شده است و یا کمتر از ارزش محتوایی کتاب در عنوان آن اهمیتی صورت گرفته است؛ اما در کتاب‌های درجه دوم و سوم گاهی با عنوان‌هایی روبه‌رو می‌شویم که بیش از ارزش محتوایی اثر است و متن در حد و اندازه عنوان انتخاب شده نیست؛ در واقع نویسنده به دنبال خاص بودن عنوان یا زیبایی عنوان خود بوده است تا مطابقت آن با متن. از آن جمله است:

- اسرار مکتوم (غزالی مشهدی): عنوان این اثر در حد محتوای تقلیدی آن و جایگاه شاعر در عرفان نیست.

- ام‌الکتاب (احمد رومی): این نام فراتر از محتوای عرفانی و کلامی کتاب است.

- بحار الحقیقة (احمد جام): با توجه به جمع بستن کلمه بحر در عنوان، آن را فراتر از محتوا قرار می‌دهد. همچنین جایگاه امروزی آن در بین متون عرفانی چندان برجسته نیست.

- مفتاح المفاتیح (اوحدی بلیانی): در ظهور مراتب تصوف است و عنوانی اغراق‌گونه دارد؛ محتوا در حد آن نیست.

- فصل الخطاب لوصول الاحباب الفارق بین الخطا و الصواب: عنوان فراتر از متن است و محتوای آن فصل الخطاب در مباحث عرفانی نیست.

- عشرة كاملة: به ادعای عنوان، ده اصل مهم عرفان را مفصل و کامل شرح داده است.

- سفینه الاولیا: تنها تقلیدی از عنوان تذکرة الاولیای عطار است.

۸-۲ متن فربه‌تر از عنوان

برخلاف عنوان‌های پرطمطراقی که برخی از شاعران و نویسندگان برای آثار ضعیف و غالباً تقلیدی خود انتخاب می‌کنند، نویسندگان و شاعران بزرگ در موارد بسیاری به انتخاب عنوان‌های ساده بسنده کرده‌اند. در این موارد محتوا و موضوع آنقدر شاخص و پُر بار است که اسم ساده و معمولی به اسم خاص تبدیل می‌شود.

نمونه اسم‌های ساده برای متون شاخص و برجسته عرفان: مثنوی (مولوی)، المعارف (بهاء ولد)، انسان کامل (نسفی)، الهی‌نامه، اسرار نامه، منطق الطیر، مصیبت‌نامه، تذکرة الاولیا (عطار)، تمهیدات

(عین‌القضات).

۳- نتیجه‌گیری

- در نامگذاری آثار عرفانی عوامل درون‌متنی بیشترین تأثیر را داشته است که با ذات و هدف عرفان نیز سازگاری بیشتری دارد و عواملی مانند تأثیرپذیری از حاکمان و یا قرارگرفتن نام نویسنده در عنوان‌ها بسامدی ندارد.
- بیشتر واژگان به‌کاررفته در عنوان‌های متون عرفانی بار ایدئولوژیک، ادبی و عاطفی دارد و از واژگان خنثی استفاده کمتری شده است.
- در بخش زیبایی‌شناسی و صورخیال به‌کاررفته در عنوان‌ها استعاره و تشبیه به‌ترتیب جایگاه بیشتری نسبت به دیگر عناصر زیبایی‌سخن دارد. در جنبه موسیقی لفظی نیز استفاده از سجع برای ایجاد موسیقی و ماندگاری در حافظه مخاطب بسامد بیشتری دارد.
- در کتاب‌هایی که جنبه تعلیمی دارد، انتخاب عنوان کتاب بیشتر براساس ساختار و فصل‌بندی کتاب است تا خواننده کتاب فصول و بخش‌های متن و در مواردی تعداد این فصل‌ها را به خاطر داشته باشد.
- در بخش نقش‌های عنوان در متون عرفانی، بیشتر عنوان‌ها نقش برجسته‌سازی و ترغیب‌کننده دارد که عموماً با انتخاب عنوان‌های استعاری و یا نمادین و یا اسامی متعلق به فرهنگ ایران باستان ایجاد شده است.
- در بخش آسیب‌شناسی عناوین، متفاوت بودن زبان عنوان‌ها با زبان متن، تقلیدی بودن عناوین و نبود نوآوری بیشترین بسامد را دارد.
- وجود عنوان‌های فارسی در برخی از متون که بسیار هنرمندانه انتخاب شده است، به تأثیرپذیری از حکمت خسروانی و ترکیب آن با تعالیم عرفان اسلامی مربوط می‌شود؛ این موضوع در آثار سهروردی بازتاب بیشتری دارد.
- آثار برجسته عرفانی فراتر از عنوان‌های انتخابی است و نویسنده یا شاعر عارف در بند نام نبوده است؛ اما در متون غیربرجسته، شاعر و نویسنده به دنبال مطرح کردن اثر خود با استفاده از نام متفاوت است تا به جذب مخاطب بپردازد.
- ساختار نحوی غالب در عنوان‌ها ترکیب‌های اضافی است که برای استفاده از ترکیب‌های

تشبیه و استعاره در عنوان مناسب‌ترین ساختار نحوی است.

پی‌نوشت

در گزینش عنوان‌های آثار عرفانی کتاب‌های تاریخ ادبیات در ایران نوشته ذبیح‌الله صفا و فرهنگ ادبیات فارسی نوشته محمد شریفی مبنای کار بوده است که تقریباً همه اوراق آنها یک بار مرور شد و در موارد بسیاری به خود متن اثر مراجعه شده است.

۱) گفته شده است که طاق‌دیس نام تخت مشهور خسروپرویز به شکل طاق بوده است؛ آسمانه آن از طلا و سنگ لاجورد بود و به کره بزرگی شباهت داشت (شریفی، ۱۳۸۷: ۹۶۳).

۲) به اعتبار اینکه پرندگان در متن *منطق‌الطیر* هر یک نماد یک تیپ و شخصیت اجتماعی هستند.

۳) درباره مولوی باید گفت او چون در بند نام نبوده است برای هیچ‌یک از آثار خود در پی عنوان خاصی نبوده است؛ به همین دلیل برای مثنوی عرفانی خود تنها نام قالب را انتخاب می‌کند که محتوای اثر این نام عام را به نام خاص و ویژه مولوی تبدیل می‌کند؛ همان‌طور که شهرت خود او (مولوی) نیز عنوان عامی است که درباره او خاص شده است. نکته جالب‌تر آنکه برای دیوان غزلیاتش هم عنوان ویژه‌ای ندارد و به همین سبب با چند عنوان شناخته می‌شود. درباره آثار منشور نیز گفته می‌شود شاگردان و مریدان مولوی که به جمع‌آوری این آثار اقدام کردند، این عنوان‌ها را رواج دادند.

۴) مؤلف این کتاب را در شهر ارزنجان و به سال ۶۲۱ ه. ق برای داودشاه بن بهرام‌شاه از آل منکوجک تألیف کرده است. وی درباره وجه تسمیه کتاب می‌گوید: «چون سخن این ضعیف مبتنی بر مرموزات باشد، خواست تا اسم مطابق مسمی بود و چون تحفه حضرت داودی می‌ساخت، خواست تا با مزمورات زبور داودی مناسبتی دارد، این مجموعه را بر ده مزمور بنا افتاد... و نام کتاب بدین مناسبات، «مرموزات اسلوی در مزمورات داودی» نهاده آمد» (رازی، ۱۳۸۱: ۳۵). عنوان این کتاب از چند وجه بررسی شده است که نشانه توجه ویژه نویسنده است که هم نام نویسنده و حاکم زمان را هم‌زمان با خود دارد و در ساخت آن از مجموعه‌ای از آرایه‌های سخن استفاده شده است (سجع/ جناس/ تلمیح/ ایهام/ تناسب/ ترصیع).

۵) در دوره‌های اول نویسندگان ایرانی به ضرورت بسیاری آثار خود را به عربی می‌نوشتند؛ از جمله این نویسندگان به بزرگانی مانند ابن‌مقفع، طبری، رازی، فارابی، ابن‌مسکویه، ابن‌سینا، بیرونی و در قرون بعدتر به ملاصدرا می‌توان اشاره کرد که همه یا غالب آثارشان را به زبان عربی نوشته‌اند.

۶) بی‌گمان علت کم‌شناختگی منظومه مصیبت‌نامه در مقایسه با *منطق‌الطیر* نام آن است که غالباً تصور می‌شود کتابی در فن مصیبت‌سرایی و نوحه‌خوانی است؛ حال آنکه عطار در این اثر، سوگنامه تبار انسان و اضطراب‌های بیکران و جاودان آدمی و مشکلات ازلی و ابدی بشر را سروده است و اینکه در

معرفت‌شناسی الاهیات، همه کاینات سرگشته و گرفتار مصیبت‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۹).

منابع

- ۱- آنگونه جونقانی، مسعود (۱۳۹۵). «اومبرتو اکو و بنیان نشانه‌شناختی تأویل»، نقد و نظریه ادبی، سال اول، شماره ۱، ۲۳-۴۷.
- ۲- اسفندیاری، محمد (۱۳۶۹). «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن»، بخش اول، آیین پژوهش، دوره ۱، شماره ۲، ۱۱۲-۱۱۷.
- ۳- احمدی، بابک (۱۳۹۳). ساختار و تأویل متن، تهران: مرکز.
- ۴- باخرزی، یحیی (۱۳۸۳). اوراد الاحباب و فصوص الآداب، به کوشش ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران.
- ۵- بخت، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی دلالت عنوان در شعر شش شاعر فارسی و عربی معاصر، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۹). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی. رضی، هاشم (۱۳۷۹). حکمت خسروانی، تهران: بهجت.
- ۷- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۶۹). کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر. شریفی، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: نشر نو و معین.
- ۸- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶). زمینه اجتماعی شعر فارسی، تهران: اختران، چاپ اول.
- ۹- _____ (۱۳۸۸ الف). «ساختار ساختارها»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۶۵، ۷-۱۴.
- ۱۰- _____ (۱۳۸۸ ب). موسیقی شعر، تهران: آگاه.
- ۱۱- _____ (۱۳۹۰). مصیبت‌نامه، مقدمه و تصحیح محمدرضا شفیع کدکنی، تهران: سخن.
- ۱۲- _____ (۱۳۹۲). زبان شعر در نثر صوفیانه، تهران: سخن.
- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۶). تاریخ ادبیات ایران، ۵ جلد، تهران: فردوس.
- ۱۴- صفوی، کورش (۱۳۷۳). از زبان‌شناسی به ادبیات، جلد اول نظم، تهران: چشمه، چاپ اول.

- ۱۵- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). «از کلام متمکن تا کلام مغلوب»، نقد ادبی، شماره ۱۰، ۳۵-۶۲.
- ۱۷- ----- (۱۳۹۲). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، روشها و رویکردها، تهران: سخن.
- ۱۸- فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبی (۱۳۴۰). تذکره میخانه، تصحیح احمد گلچین معانی، تهران: اقبال.
- ۱۹- ناصر خسرو (۱۳۶۵). دیوان ناصر خسرو، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۰- نجم‌الدین رازی، ابوبکر عبدالله (۱۳۸۱). مرموزات اسدی در مزمورات داودی، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- ۲۱- یارشاطر، احسان (۱۳۹۳). تاریخ ادبیات فارسی، جلد ۱، تهران: سخن.